

متن پرسش

با سلام: لطفاً پاسخ سوال مرا بر اساس علم عرفان جواب دهید نه برهان صدیقین! سوال: من هستم و غیر از من هم چیزهای زیادی هستند. دو نظر هست یا وحدت وجود است یا کثرت وجود. اگر بگوییم کثرت وجود حق است، در جهان هستی هم خدا هست و هم در کنار خدا هستی های دیگر. حال اگر کثرت وجود را نپذیریم، باید وحدت وجود را بپذیریم که معنای آن این است که فقط خدا هست. حال می پرسیم، پس این اشیا چه هستند؟ در پاسخ یا باید بگوییم که اینها مظاهر خدایند. می پرسیم مظاهر خدایند آیا وجود دارند؟ اگر پاسخ بله باشد باز کثرت وجود می شود. اگر نه باشد، می شود همه ی این چیزها خدا، اگر بگوییم این چیزها اصلاً نیست می شویم سوفسطایی، نظر شما درباره عبارات بالا چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حضرت حق در مقام جامعیت اسماء در جلوات مختلف اسمائ به نور اسمای حسنائش به ظهور می آید و هرچه هست، مظاهر اسمای حسنائی او می باشد. پس همه موجودات «بالحق» در صحنه هستند، در نتیجه کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت در میان است. امری که مولایمان حضرت امام المتقین «علیه السلام» در منظر خود چنین می یابند که فرمودند: «ما رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ مَعَهُ وَ بَعْدَهُ» [۱] ندیدم چیزی را مگر آنکه قبل از آن چیز و با آن چیز و بعد از آن چیز، «الله» را دیدم. در این نگاه واقعاً انسان مواظب است ذهنیات او در نگاهش به واقعیت، دخالت نکند و لذا هر چیز را تجلی خالق آن چیز می بیند. موفق باشید

[۱] ملا محسن فیض کاشانی، علم الیقین، ج ۱، ص ۴۹